

رساله سطح سه حوزه علمیه قم

علی (ع)

از نگاه علی (ع)

۹۷

تحلیل موضع گیری امام علی (ع)
بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) از دیدگاه نهج البلاغه

استاد راهنما:

حجه الاسلام و المسلمین سید مندر حکیم

استاد مشاوره:

حجه الاسلام و المسلمین یوسفی غروی

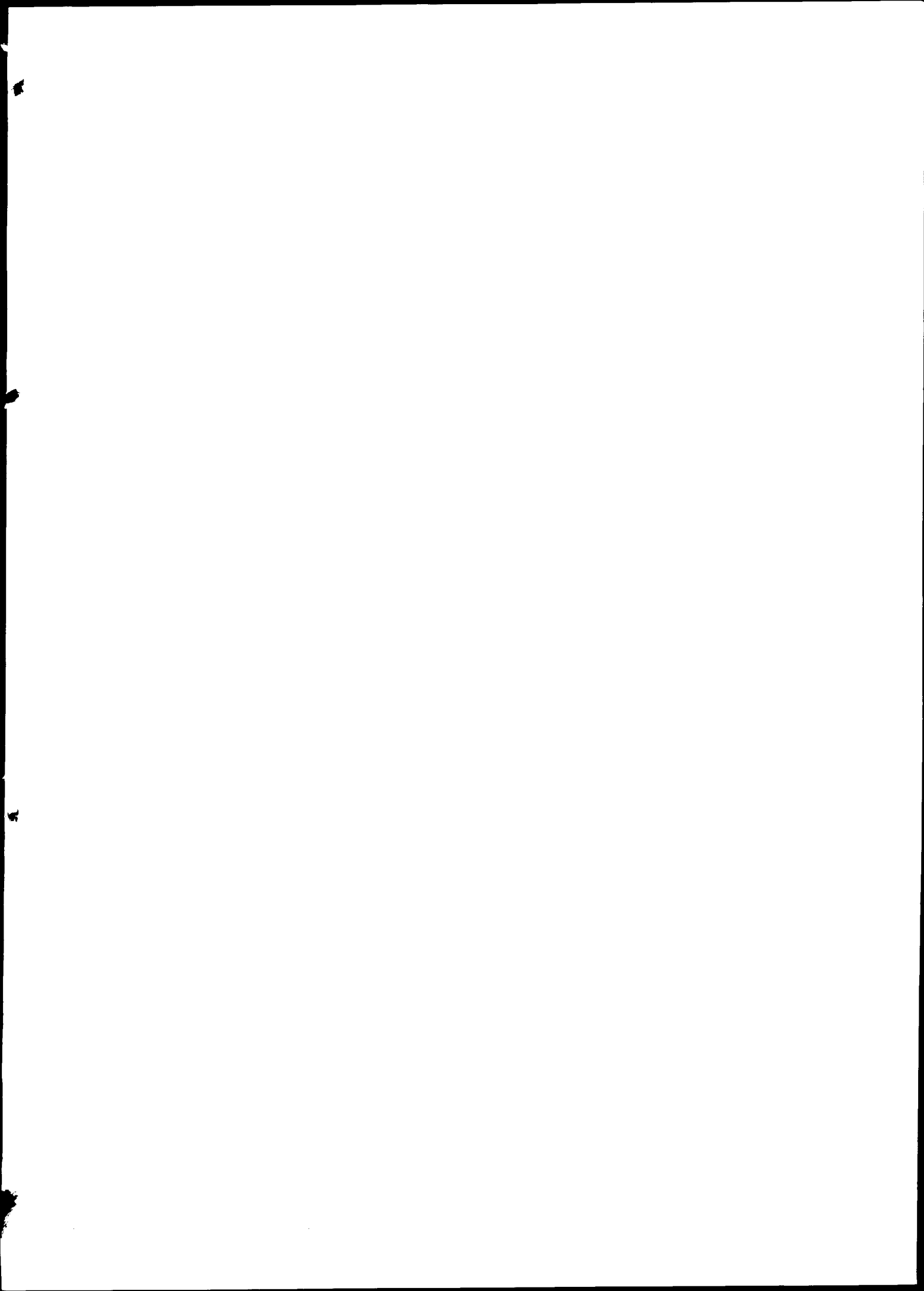
نویسنده:

محمد مهدی الله وردی ها



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





تقديم به ساحت مقدس حجت بن الحسن

یا

حجت بن الحسن

اکبر گنوی



فهرست عناوین:

پیشگفتار..... ۱۲

چکیده..... ۱۳

مقدمه..... ۱۶

فصل اول: ضرورت گفتگو از موضع امام علی(ع) بعد از رحلت رسول..... ۱۹

بخش اول: فرض امتناع و کناره گیری خود حضرت از خلافت..... ۲۲

بخش دوم: فرض طبیعی و عادی بودن کناره گیری حضرت..... ۲۲

بخش سوم: فرض دسیسه و تحمیل و کنار گذاشتن حضرت..... ۲۴

فصل دوم:..... ۲۵

حادثه غمبار و غروب خورشید

رحلت رسول خدا و تنازع مسلمین..... ۲۹

الف- قابل تصور نبودن جانشینی غیر امام علی(ع)..... ۳۰

ب- پیشنهاد بیعت ابوسفیان و موضع امام..... ۳۴

ت- پیشنهاد ابن عباس..... ۳۹





فصل سوم: ۴۲

(کودتای سقیفه و موضع گیری امام)

الف- موضع امام نسبت به تشکیل سقیفه ۴۳

ب- عاملان تشکیل سقیفه و ریشه یابی آن ۵۱

ج- نقد و تحلیل استدلالات اهل سقیفه توسط امام علی (ع) ۵۷

د- بحران مشروعیت سقیفه از دیدگاه امام علی (ع) ۶۹

فصل چهارم: ۷۷

(موضع امام علی (ع) بعد از بیعت با ابی بکر)

الف- اعلان و اظهار مخالفت ۷۸

ب- تحصن مخالفان و همراهی امام علی (ع) ۸۲

ج- درخواست همکاری و بیعت از امام و موضع حضرت ۸۵

د- بیعت نمودن با خلفا و تحلیل موضع امام علی (ع) ۸۸

هـ- سختی دوران خلفا بر حضرت ۹۰

فصل پنجم: ۹۵





موضع امام نسبت به نقش قریش (در تحولات بعد از رحلت رسول خدا (ص))

- الف- مذمت و شکایت از قریش ۹۶
- ب- بیان پیشینه سرزنش‌های قریش ۱۰۰
- ت- تضعیف جایگاه قریش و موضع‌گیری امام علی ۱۰۲
- ح- تبلیغات سوء قریش و موضع امام علی (ع) ۱۰۵

فصل ششم: ۱۰۷

اقدامات حاکمیت نسبت به موضع‌گیری امام علی

۱. تحقیر و تخریب شخصیت علی (ع) ۱۰۸
- تراشیدن رقیب ۱۱۱
- تطمیع امام ۱۱۸
- پوشاندن فضائل امام و ایجا دشبیه در مقام بی بدیل حضرت ۱۱۹
- حصر اقتصادی ۱۲۱
- عزل و برکناری بنی‌هاشم از پستها و حاکمیت منافقین ۱۲۵
- ۹ و ۸ و ۷. جعل احادیث و ممنوعیت حدیث و جلوگیری از خروج صحابه ۱۲۵





- ۱۲۸ اتهامات و فضا سازی علیه امام (جنگ تبلیغاتی)
- ۱۳۲ هجوم به خانه وحی و تحمیل بیعت بر امام
- ۱۳۶ خشکاندن زمینه‌های حکومت امام علی (ع)
- ۱۳۷ **فصل هفتم:**

تحلیل شرایط و علل موضع گیری امام علی (ع)

(عوامل و شرایط تعیین کننده شکل و نوع موضع گیری حضرت امیر)

- ۱ - کمبود یاران ۱۳۸
- ۲ - حفظ یاران ۱۴۱
- ۳ - کینه‌ها و فتنه‌های قریش ۱۴۲
- ۴ - مساعد نبودن شرایط (زمان نامناسب) ۱۴۳
- ۵ - سکوت بخاطر مصلحت جامعه ۱۴۵
- ۶ - وجود فتنه‌ها و آشوب‌های اجتماعی ۱۴۷
- ۷ - اتهامات و جنگ روانی علیه حضرت ۱۴۸
- ۸ - حفظ اهل بیت ۱۵۰
- ۹ - سطحی بودن اسلام و ایمان اکثریت جامعه ۱۵۱





- ۱۰- حریص بودن بر وحدت مسلمین ۱۵۴
- ۱۱- عهد نزدیک و خیانت امت ۱۵۸
- ۱۲- ترس از انحلال اصل دین و ترجیح حق رسالت بر حق ولایت ۱۵۸
- ۱۳- ترس از گمراهی و تسلط نادانان ۱۵۹
- ۱۴- سنگینی و خلأ فقدان و بهت و حیرت ناشی از رحلت رسول (ص) ۱۶۰
- ۱۵- وجود تهدید خارجی ۱۶۲
- ۱۶- ساختار قبیلگی ۱۶۴
- ۱۷- شیوه تربیتی اسلام ۱۶۷
- ۱۸- بینش عمیق امام ۱۷۹
- فصل هشتم:** ۱۷۲

راههای پیش روی و موضع گیری امام علی(ع)

- مبارزه مسلحانه ۱۷۴
- شیوه انزوا و کناره گیری ۱۷۷
- روزمرگی و بی تفاوتی ۱۷۷





مقاومت منفی ۱۷۸

مبارزه اصیل آرمانی ۱۷۸

فصل نهم: ۱۸۰

(اقدامات و موضع گیری امام)

۱- روشن گری و آگاهی خواص و توده‌ها نسبت به موضوعات ذیل: ۱۸۱

۲- رهبری و جریان سازی مخالف ۱۸۹

۳- اعلان و اعتراض و مخالفت عملی و علنی با روند انتخابات فرمایشی ۱۹۳

۴- حفظ و تربیت یاران ۱۹۳

۵- دعوت و درخواست از مردم و خلفا ۱۹۵

۶- غسل و تکریم پیامبر ۱۹۷

۷- تحقیر خلفا و زیر سؤال بردن آنان با عمل به وصیت فاطمه (س) ۱۹۸

۸- امتناع از پذیرش مسئولیت ۲۰۱

۹- حفظ وحدت مسلمین ۲۰۳

۱۰- حفظ اصل رسالت ۲۰۶





۱۱- نفوذ در ساختار قدرت و نشان دادن ضعفهای علمی و قضائی و مدیریتی خلفا..... ۲۰۷

۱۲- کارهای علمی (جمع آوری قرآن و...) ۲۱۲

۱۳- تقیه و نفوذ در ساختار قدرت ۲۱۴

۱۴- تربیت نیرو و آماده سازی ۲۱۵

۱۵- تقویت بنیه اقتصادی..... ۲۱۶

۱۶- زیر سؤال بردن آنان با شیوه زندگی زاهدانه خویش..... ۲۱۹

۱۷- شکستن تبلیغات مسموم حاکمیت ۲۲۱

۲۲۳..... **نجوا**

۲۲۴..... **فهرست منابع**





پیشگفتار، چکیده، مقدمه





پیشگفتار:

از آغازین دعوت نبوی بل از آغاز خلقت تا سیر و تکامل و رشد آن و بالاخره تا آخرین نغمه‌های ملکوتی رسول (ص) اعظم، جریان جانشینی و زعامت امت بعنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های اصلی رسول در تاریخ اسلام تبلور و نمود دارد. تا آنکه روح محمد (ص) در آغوش ملائک به آسمان پرواز و عروج ناسوتی می‌گیرد. و امت او سرگردان و حیرت زده در بهتی غم‌آلود فرو می‌روند. و در این لحظات، و در این پیچ تاریخ ابری از سیاهی سایه می‌افکند. تا مگر جانشین او، تا مگر حق درهاله ای از ابهام و کسوفی از شبهات قرار گرفته و زمینه طرح این سؤال را فراهم نماید. که چرا علی (ع) به حاکمیت بلافصل بعد از نبی (ص) دست نیافت؟! و ما امروز بعد از انفجار نور و انقلاب اسلامی بیش از همیشه تاریخ نیازمند تحلیل و توضیح این جریان و این نقطه عطف تاریخ انسان (نه تنها اسلام) هستیم. نقطه‌ای که گاه آنرا به عبدالله بن سباء منسوب می‌کنند و گاه با اغراض آلوده و گاه تشکیک و تردید قرین می‌نمایند و گاه به جهل و خرافه می‌بندند. تا جایی که در اعصار گذشته شخصیت‌هایی چون ابوذر و... و در اعصار متاخر بزرگانی چون کاشف الغطاء و علامه مظفر و علامه طباطبایی و... را برمی‌انگیزاند تا جهت تبیین و آگاهی مردمان دست به قلم یازند و به توضیح تاریخ شیعه و تحلیل این جریان پردازند. ولی شاید کمتر این معنا از زبان خود حضرت موشکافی شده باشد. و چه زیباست سخن را از سخن شناس شنیدن چه اینکه اهل البیت ادری بما فی البیت و له الحمد.





چکیده

در فصل اول به طرح این مسئله پرداخته می‌شود که چرا علی (ع) به حکومت بلافصل پیامبر نرسید و ضرورت بحث در سه حوزه تفکر شیعی براساس مخصوص بودن و در تفکر اهل سنت براساس احقیقت و شایسته‌تر بودن و در حوزه خارج از داسلام براساس مخدوش بودن انتخابات مطرح می‌شود و سه فرض در رابطه با نوع موضع‌گیری حضرت (فرض طبیعی و عادی بودن، امتناع و کناره‌گیری، تحمیل و دسیسه) در رابطه با خلافت و جانشینی پیامبر تکمیل می‌شود و در آخر به این نتیجه می‌رسیم که تنها فرض تحمیل و دسیسه منطقی و صحیح می‌باشد. و در فصل دوم به ترسیم و تصویر عظمت رحلت جانگداز رسول خدا (ص) از زبان امام پرداخته می‌شود و نسبت به تنازع مسلمانان در رابطه با مسئله جانشینی تذکر داده می‌شود و از قابل تصور نبودن جانشینی غیر امام علی (ع) از زبان حضرت با توجه به شواهد و دلایل هفتگانه که نگارنده بیان نموده از جمله اینکه حتی با توجه به ساختار قبیله‌ی عربی هم انتخاب شخصی غیر از امام طبیعی و معقول نیست. و آنگاه در همین رابطه به تجزیه و تحلیل دو پیشنهاد بیعت ابوسفیان و ابن عباس نسبت به امام علی (ع) مطرح می‌گردد و ما می‌توانیم این دو پیشنهاد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و نتیجه این می‌شود که علاوه بر اینکه نیت و هدف ابوسفیان نامیمون است شرایط و عوامل لازم فراهم نیست و در ضمن پیشنهاد عباس با موانعی روبروست از جمله اینکه بیعت عباس بطور پنهانی متهم به همان چیزی می‌شد که بعدها ابوبکر متهم به آن شد یعنی اتفاقی بودن انتخاب شدن ابوبکر بود.

و در فصل سوم: تحت عنوان کودتای سقیفه به بررسی و تحلیل دیدگاه امام علی (ع) در رابطه با اصل تشکیل سقیفه و ترکیب و چگونگی آن و نیز نتایج و ثمرات آن می‌پردازیم و احياناً پاسخ برخی شبهات را در رابطه با شرکت نکردن امام (ع) در آن جلسه بیان می‌داریم





که در وقتی که از صریح ترین حکم پیامبر چشم پوشی می شود رفتن و نرفتن امام علی (ع) به سقیفه تفاوتی نداشت غیر از آنکه حتی ممکن بود بمنزله تأیید آن جلسه و مشروعیت یافتن آن شود این است که به بررسی عکس العمل حضرت در رابطه با اخبار تشکیل سقیفه می پردازیم و آنگاه عاملان در حاشیه های آن را بیان می داریم. و در یک جمع بندی در رابطه با مهمترین استدلالهای اصل سقیفه به اینجا می رسیم، که مسأله قرابت و مسن تر بودن از اهم مبانی و استدلالهای سقیفه بوده است که در هر صورت امام علی (ع) میوه درخت رسالت است و سزاوارتر و لذا هنوز انصار بر دعوا و حجتشان باقی هستند و استدلال قریشیان نسبت به آنان ناتمام خواهد بود. و اساس و شالوده مشروعیت آن جلسه مخدوش است.

در فصل چهارم به این مقوله پرداخته می شود که نوع عملکرد و عکس العمل امام در برابر غضب خلافت چیست؟ و آیا به راحتی تمکین می نمایند و تسلیم می شوند می بینیم که خیر حضرت دست به اقدامات و روشنگری ها و مقاومت و زمینه سازیهای می زنند که بعدها بستر حکومت علوی و اقبال مردم را بسوی حضرت فراهم می نماید. و در آخر امام علی (ع) از سختی این دوران می گوید.

در فصل پنجم پرده از این واقعیت تاریخی برداشته می شود که قریش مهمترین نقش را در پای مال کردن حق امام علی داشته است و شاید این واقعیت تاریخی کمتر بطور برجسته به آن پرداخته شده است لذا از شماتت های امام درباره قریش و پیشینه سرزنش ها و حسادتهای آنان درباره امام علی و بالاخره از تضعیف و افشاگری امام درباره قریش می گوئیم. و این معنا مورد تأکید قرار می گیرد.

در فصل ششم به دوازده اقدام شکننده حاکمیت بر علیه امام علی (ع) می پردازیم و بخوبی روشن می شود که چگونه با سیاست تحقیر و تخریب شخصیت امام و تراشیدن رقیب در عرصه های مختلف کارساز می افتد و چهره بی بدیل حضرت درهاله ای از ابهام قرار





می‌گیرد و چگونه آنان از همه توان و طرفندهای‌های ممکن برای انزوای هر چه بیشتر امام بهره‌برداری می‌کنند.

در فصل هفتم رساله به بررسی و تحلیل شرایط و زمینه‌های مؤثر در تصمیم‌گیری و نوع موضع‌گیری حضرت می‌پردازیم که در اینجا به ضرورت دوباره از برخی عناوین گفتگو می‌کنیم که طبعاً جهت تبیین هر چه بیشتر فرض این فصل لازم و ضروری بوده است لذا از هجده مورد از جمله کمبود یاران و حفظ یاران و زمان نامناسب و مصلحت جامعه و وجود فتنه‌ها و آشوبهای اجتماعی و جنگ روانی و حفظ اهل بیت و سطحی بودن اسلام و حرص بر وحدت مسلمین و عهد نزدیک و ترس از انحلال اصل دین و... گفتگو می‌نمائیم و زمینه یک جمع بندی را در فصل بعدی فراهم می‌نماید.

لذا یک جمع بندی از شرایط و امکانات حضرت و راههای در پیش روی حضرت در فصل هشتم می‌رسیم که بعد از نقد راه‌های دیگر و در آنجا مبارزه اصیل و آرمانی را تنها راه مبارزه اصیل تلقی می‌نمائیم.

و در فصل نهم سخن از اقدامات و زمینه‌سازیهای مهم حضرت به میان می‌آوریم و از روشن‌گری و آگاهی و رهبری مخالفان و جریان‌سازی و موارد دیگری سخن می‌گوئیم که بخوبی روشن می‌گرداند که هرگز حضرت در آن سالها بیکار نشستند بلکه زمینه‌ها را تبدیل به فرصت و فرصتها را تبدیل به موقعیت نمودند و ضمن حفظ کیان اسلام و وحدت مسلمین خط اصیل ولایت در رسالت را تا پایان تاریخ ترسیم نمودند.





بسم الله الرحمن الرحيم

و صلى الله على محمد و آله الغر الميامين سيما الامام المنتظر حجه ابن الحسن

با حمد و سپاس از ایزد متعال و درود و سلام بر ارواح طيبه شهدا و مراجع عظام،

بالاخص بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

در مطلع سخن بر خود فرض می‌دانم که ابتدا از اساتید و سروران گرام بالاخص از استاد فرزانه حضرت حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای حکیم و نیز از استاد گرانقدر حضرت حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای یوسفی غروی که زحمات راهنمایی و مشاوره رساله را به عهده داشتند کمال تشکر را می‌نمایم. و نیز از سروران و اساتید گرانسنگ حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای طوسی و حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای رحمانی که زحمت داوری این رساله را بعهده داشتند بی نهایت تشکر می‌نمایم. در ضمن از همه عزیزانی که مقدمات این امر را فراهم نمودند بخصوص مسئولین مدارج تشکر می‌نمایم.

شایان ذکر است که موضوع رساله و طرحی که ارائه شد و مورد تأیید واقع گردید از موضوعاتی است که در نوع خود بدیع می‌نماید. چرا که تحلیل موضع گیری حضرت علی بعد از رحلت رسول خدا از زبان نهج البلاغه به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه واقع شده باشد و چنانچه مستحضرید یکی از منابع اولیه و اصیل در رابطه با تاریخ اسلام و حوادث بعد از رحلت کلمات و سخنان امام امیر المومنین است که می‌تواند در بسیاری از موارد راه گشا و





راز گشاینده باشد و احیاناً در تحلیل ما نسبت به این واقعه به طور خاص و مسائل دیگر تاریخی و در جهت دست یابی به حقیقت در این موضوعات کمک شایان ذکری بنماید.

بخصوص پاسخ به سئوالات و شبهاتی که پیرامون حوادث بعد از رحلت صورت می گیرد. و یا از علل سکوت و سلطه حاکمان وقت پرسیده می شود. در هر صورت سعی بلیغ اینجانب در این بوده است که علاوه بر توجه بر بدیع بودن موضوع رساله در سبک و شیوه، تقسیمات انجام شده نیز در عین اصالتمند بودن دارای سبک و شیوه و عناوین جدید و بدیعی می باشد.

لذا بعد از تبیین ضرورت و اهمیت موضوع مورد بحث و ترسیم چگونگی رحلت رسول اکرم از زبان امام علی به توصیف و بیان احتمالات و گزینه های مطرح پرداخته است. و سپس به توصیف جریان سقیفه و موضع گیری های حضرت در این رابطه پرداخته ایم. و در نظر بوده است که در عین اینکه مطالب با زبانی روان و جذاب گفته می شود از نظر محتوا و کیفیت تنزل نکند. شاید که این رساله گامی هر چند کوچک را در جهت احیای فرهنگ اسلامی و بزرگداشت و ترویج محتوای نهج البلاغه و سخنان ظریف و دقیق و بسیار لطیف امام امیر المومنین را در عرصه های مختلف برداشته باشد. که می تواند همین نکته بارز و لطیف مسئله باشد که تمامی حوادث و وقایع را ما مستقیماً از زبان خود امام می شنویم و این خود حضرت است که با سخنان دلنشین و عقلانی خویش پرده از اتفاقات پشت پرده بر می دارد و پاسخ ابهامات و شبهات را در این موضوع بیان می فرماید. در عین اینکه شواهد و قرائن تاریخی نیز به عنوان مؤید و شاهد مسئله و گواه موضوع بیان میشوند.





من خود شاهد بوده ام که چگونه کلمات نورانی و دلایل امام امیر المومنین را ه را بر شبها می‌بندد و جوانان شیعه را هر چه بیشتر به نهج البلاغه علاقه مند می‌نماید. در پایان عرایض ضمن پوزش از اطاله کلام خود اذعان به قصور خویش و احیانا نواقص موجود در رساله را دارم. در عین اینکه ارشادات و نظرات سروران گرامی را چون هدیه‌ای گران بها ارج می‌نهم. و آن را نعمتی الهی تلقی می‌کنم. امید وارم که با لطف و عنایت حضرت حق و توجهات ولی عصر این رساله از توجهات و الطاف امیر المومنین علی ابن ابی طالب بهره‌مند گردد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته





فصل اوّل: □

ضرورت گفتگو از موضع امام علی^(ع) بعد از رحلت رسول





ضرورت گفتگو از موضع امام علی (ع) بعد از رحلت رسول

همواره این شبهه در اذهان بوده و هست، که چرا با همه تأکیدات رسول (ص) و اقدامات و زمینه‌سازی‌های پیامبر چرا باز علی (ع) به حکومت بلافضل پیامبر نرسید و انتخاب نشد.

و اساساً نقش حضرت در این روند و تحولات واقع شده چه بوده و موضع‌گیری او چگونه قابل تحلیل است و آیا این سؤال تنها در هندسه فکری شیعه که اعتقاد به منصوص بودن حاکمیت علی (ع) دارد، قابل طرح است و یا در حوزه وسیع‌تر از دیدگاه شیعه قابل طرح است.

به نظر می‌رسد این سؤال در سه حوزه تفکر شیعی براساس منصوص بودن او و در حوزه تفکر اهل سنت براساس احقیّت و شایسته‌تر بودن او در حوزه خارج از اسلام براساس مخدوش بودن انتخابات برگزار شده در سقیفه قابل طرح باشد پس در هر صورت طرح این سؤال که چرا امام علی (ع) بلافاصله بعد از پیامبر به حاکمیت نرسید سؤال معقول و طبیعی است که هر کس کمترین آشنایی با تاریخ اسلام و شخصیت و نقش امام علی (ع) در روند پیشبرد حرکت نبوی داشته باشد، برایش مطرح می‌شود. لذا این سؤال بطور طبیعی می‌تواند در ذهن هر مسلمانی خطور نماید. که چرا امام علی (ع) به حاکمیت بلافضل نرسید. به خصوص با توجه به شرائط بین المللی روز و توجه محافل و افکار عمومی نسبت به حقانیت شیعه و بلاخره احقاق حق ائمه بیشتر از پیش طرح این مسئله ضرورت دارد.





در رابطه با موضع حضرت نسبت به جریان خلافت سه فرض متصور است.

فرض اول - امتناع و کناره گیری خود حضرت از خلافت می باشد که این نیز با توجه

به محتوای سخنان و استدلالها و مقاومت و امتناع از پذیرش بیعت و پذیرفتن حاکمیت بعد از

بیست و پنج سال و موارد دیگر توسط امام سازگار و قابل پذیرش نیست که بطور اختصار در

موارد ذیل قابل طرح است.

الف - محتوای سخنان و استدلالهای امام در قالب

(۱) استدلالها و احتجاجات امام^۱

(۲) شماتت و مذمت خلفا^۲

(۳) تهدید و تحقیر آنان^۳

(۴) بیان مقامات و منزلت خویش^۴

(۵) بیان احقیّت خویش به خلافت^۵

(۶) بیان نقش خویش در تاریخ اسلام و جنگها^۶

(۷) تأکید بر همراهی و همسانی خود با رسول خدا (ص)^۶

۱- فلما قرعته بالحجّه نهج البلاغه فیض - خ ۱۷۱ ص ۵۵۴

۲- بینا هو یستقبلها فی حیاته... نهج البلاغه فیض خ ۳ ص ۴۶

۳- ۱- ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی السلام... ۲- فأنهم عیش العلم... نهج البلاغه فیض خ ۱۴۷ ص ۴۵۲

۴- وأنا اخصّ و اقرب نهج البلاغه نهج البلاغه فیض خ ۱۷۱ ص ۵۵۴ لقد علمتم انی احق الناس بها من غیرى صبحی صالح - ص ۳۰۰ ج ۱۹۲

۵- ولقد واسیته بنفسی فی مواطن... نهج البلاغه فیض خ ۱۸۸ ص ۶۳۳ - ۲- انا وضعت فی الصفر نهج البلاغه فیض ص ۸۱۱

۶- و لقد كنت أتبعه اتباع الفصيل نهج البلاغه صبحی صالح ص ۳۰۰ ج ۱۹۲ - ۲- وقد علمتم موضعی من رسول الله ص صبحی صالح ص ۳۰۰ ج ۱۹۲





- ۸) محوریت داشتن خود به سنگ آسیاب خلافت^۱
- ۹) تذکرات پی‌درپی و مداوم بر حقانیت خویش^۲
- ۱۰) بیان نقش کلیدی خویش در پیشبرد جنگهای پیامبر^۳
- ۱۱) بیان نزدیکی و بی‌مانند خویش به رسول خدا (ص)^۴
- ۱۲) بزرگترین صادق و هرگز دروغ نبستن بر رسول خدا (ص) (در مقابل اتهام دروغ و حرص و یا صداقت دیگران)^۵

ب - مقاومت و خودداری از بیعت (و مبارزه و سازندگی) در قالب

۱- تحصن و قیام^۶

۲- تذکر و یادآوری^۷

۳- نقد و استدلال^۸

۴- خودداری از بیعت (و تحمیل بیعت به او) کشاندن حضرت از خانه و...^۹

۵- عدم همکاری ابتدائی با خلفاء^{۱۰}

۶- اظهار مخالفت با روند انتخابات و شیوه آن^{۱۱}

۱- انّ محلی منها محل القطب من الریح - نهج البلاغه خ ۳ ص ۴۶

۲- الف- من ذا الحق به حیا و میتاً... نهج البلاغه فیض ص ۶۳۳ خ ۱۸۸ ب- فوالله ما زلت مدفوعاً عن حقّی نهج البلاغه فیض خ ۶ ص ۳۹

۳- انا وضعت فی الصغر... نهج البلاغه صبحی صالح ص ۳۰۰ و ۱۹۲۳

۴- و قد علمتم موضعی من رسول الله ص نهج البلاغه صبحی صالح ص ۳۰۰ و ۱۹۲

۵- الف- وانا الصدیق الاکبر... ب- فلم له اژد علی الله ولا علی رسوله... نهج البلاغه فیض خ ۱۸۸ ص ۶۳۳

۶- فنهضت فی تلک الاحداث حتی زاح الباطل و زهق نهج البلاغه فیض خ ۶۲ ص ۱۰۴۲

۷- و فیهم الوصیه و الوصایه... نهج البلاغه بنیاد ص ۱۴-۲

۸- فان یکن الفلج به فالحق لنادونکم... نهج البلاغه فیض ن ۲۸ ص ۸۹۸ ۲- فلما قرعته بالحجه هب... نهج البلاغه عبده ح ۲ ص ۸۴ خ ۱۶۷

۹- وقلت کنت اقاد کما یقاد المجلد المخشوش... نهج البلاغه فیض ن ۲۸

۱۰- فأمسکت یدی حتی... نهج البلاغه فیض خ ۶۳ ص ۱۰۴۸

۱۱- اما الله لقد تقمصها ابن ابی قحافه - نهج البلاغه فیض خ ۳ ص ۴۶





۷- ترغیب فاطمه (س) و دفاعیاتش و حمایت امام از او^۱

فرض دوم - فرض طبیعی و عادی بودن کناره گیری حضرت است که البته با شخصیت برتر و مطرح بودن حضرت و تأکیدات رسول خدا داشتن شایستگیهای فردی و اجتماعی حضرت سازگار نیست ضمن آنکه با عملکرد و ادعایهای حضرت هماهنگ نمی باشد.

در هر صورت روشن شد که دو فرض پیش نمی تواند معقول و مقبول باشد و تنها **فرض سوم - بر اساس دسیسه و تحمیل و کنار گذاشتن حضرت:** مطرح می شود یعنی ماجرای کناره گیری و انزوای حضرت بر اساس دسیسه و تحمیل و کنار گذاشتن حضرت حال با یک نقشه قبلی و حساب شده و یا بطور اتفاقی و غیرقابل پیش بینی (و احیاناً به همراه توجیهات دلسوزانه و عوام پسندانه) و یا به طور اتفاقی و با نقشه و قصد قبلی. باید گفت: مسلماً با توجه به قرائن و شواهد مطرح در تاریخ اسلام بخصوص حوادث مقارن با رحلت رسول اکرم، همچون سرپیچی از شرکت در سپاه اسامه و یا اختلاف در نماز گذاران بجای رسول (ص) و یا ماجرای قلم و دوات و... بهترین شاهد و قرینه بر وجود نزاع و اختلاف در میان نزدیک ترین صحابی پیامبر است و در عین حال جریان بسیار مهمی همچون جانشینی پیامبر با توجه به خبر دادن پیامبر به مرگ زودرس خود نمی تواند از دید مراکز قدرت و تصمیم گیری و باندها و گروه های مؤثر پنهان مانده باشد چه اینکه قرآن خود به اشاره می گوید **أفان مات أو قتل انقلبتم علی اعقابکم... بنا بر می توان نتیجه گرفت قصد جدی و اراده**

^۱ - وستیتک ابنتک النازله بک - نهج البلاغه فیض خ ۱۹۳ وابن ابی الحدید ج ۱۰ ص ۲۶۵ خ ۱۹۵ - ۲ - بلی کانت فی ایدینا فدک لکل ما اظلمت السماء... نهج البلاغه فیض - ن ۴۵ ص ۶۶۷





حتمی در پشت پرده بر غضب و تصاحب خلافت قطعاً وجود دارد. گرچه به احتمال قوی نقشه آنان بگونه دیگری بوده است اما وقتی خبر اجتماع انصار در سقیفه به گوش آنها می‌رسد نقشه تغییر می‌یابد شاید بتوان از جریان انکار مرگ رسول خدا توسط عمر به سرنخ این نقشه و این فتنه شوم پی برد. چرا که اگر سقیفه شکل نمی‌یافت و اگر علی بیشترین زمینه و تأکید را یا خود به همراه داشت بهترین شیوه برای خنثی نمودن آن و غضب کردن حاکمیت علی (ع) انکار مرگ رسول خدا است در نتیجه پیامبری که نمرده باشد نیاز به وکیل وصی و جانشین ندارد و این خود بهترین گزینه و شروع خوبی برای آتش بیاران معرکه می‌توانست باشد و یا لاقل محک خوبی بود برای میزان وفاداری مردم به علی (ع) که در صورت سستی و کوتاهی آنان و کوبیدن اثرات بر حرص و قدرت طلبی زمینه‌های منکوب کردن علی (ع) بیشتر فراهم می‌شد و یا لاقل یک فضای آشفته و شبهه‌ناک و تأثیر پذیری مردم عوام و جاهل بهتر و راحت تر می‌توان به اهداف مرموز خویش رسید. چنانچه بعدها حضرت در جریان قتل عثمان و درخواست محاکمه قاتلین عثمان در خواست مردم را موکول به زمان آرامش و سکونت اوضاع می‌نمایند. پس در یک جمع‌بندی می‌توان گفت مسلماً قصد قبلی در این رابطه و تصمیم‌گیری در کانون فتنه بوده است اما در شکل اجرا و پیاده کردن آن باتوجه به تحولات پیش‌بینی نشده (مثل تشکیل سقیفه) کاملاً اتفاقی بوده است چنانچه خلیفه دوم گفته است و خلافت ابی‌بکر اتفاقی صورت گرفت....





فصل دوم: □

حادثه غمبار

و

غروب خورشید

(سنگینی فقدان و غیبت رسول (ص) و عهده‌داری تغسیل و تکفین)





۱- حادثه غمبار و غروب خورشید

دل آسمان گرفته بود، ابرهای تیره هرچه بیشتر نزدیکتر می شدند و خورشید در پس ابرها پنهان و پنهان تر می شد. و حلقه های اشک چشمان مظلوم تاریخ را پوششی بلورین داده بود و رسول در بستر مرگ چشم به چشم او با او سخنها داشت او خود می گوید؛ از لحظاتی که جان به لب می آمد و روح به حیرت می افتاد. و سر رسول بربالین او آرمیده بود. گرچه یادآوری این لحظات نیز بر او رنج آور و ملال انگیز بود اما باید از این لحظات تاریخی دوباره گفتگو کرد تا هم مظلومیت رسول و هم وصی او بر امت روشن و واضح شود آن هم در شرایطی که دیوان فرشته نما تمامی توان خویش را در بوق تبلیغاتی خود دمیده اند تا از علی (ع) چهره ای نامطلوب و زشت ترسیم نمایند و دیگران را که از رسول دور بودند نزدیک بنمایانند و علی را در مسلخ تبلیغات مسموم حاکمیت های گذشته و خناسانی چون عمرو عاص و معاویه دوباره به انزوا بکشانند و جامعه و امت اسلامی را به وادادگی و انفعال و تردید دچار کنند. و جاهلیت بازآمده را تثبیت کنند. و بجای حاکمیت رسولان سلطنت و پادشاهی را که ابوسفیان ها می خواستند به ارمغان آورند.

او خود از عظمت و داستان این حادثه چنین پرده بر می دارد. در حالی روح او به پرواز در آمد که سرش بر سینه من بود و بر روی دستانم جان به جان آفرین تسلیم کرد. و من برای تبرک دستهایم را بر صورتم کشیدم و آنگاه عهده دار غسل نمودن او شدم در حالی که فرشتگان در این امر مرا یاری می نمودند و از این مصیبت همه خانه و اطراف آن یکپارچه





نالہ و فریاد شدہ بود گروہی از فرشتگان (در رفت و آمد بودند) دستہای فرود می آمدند و دستہای بالا می رفتند و طنین زمزمہ دعایشان کہ بر او درود می فرستادند لحظہای از گوش من جدا نمی شد تا آنکہ بدنش را در آرامگاہش قرار دادیم.^۱

و در این لحظات غمبار تاریخ است کہ درک عظمت حادثہ و مصیبتی کہ ناشی از فقدان رسول اعظم بود غم غربت عجیبی را در دل علی (ع) نشانده بود. چرا کہ تنها او خلاء حاصل از فقدان رسول (ص) را می فهمید تنها او می فهمید کہ بدون این رہبر آسمانی چه نقیصہ و رخنہای در جهان و جامعہ پدیدار می شود او می دیدید کہ هنوز جنازہ رسول بر زمین است چگونه بادہای فتنہ وزیدن گرفته اند و چگونه این کشتی طوفان زدہ حیران گردابہای بلا و فتنہ شدہ است این است کہ در حالی کہ هنوز جنازہ پیامبر بر زمین است خطاب بہ پیامبر می گوید پدر و مادرم بقدایت ای رسول خدا، جز تو کسی نیست کہ در عالم با مرگش نبوت و وحی و اخبار آسمانها قطع شدہ باشد لذا این است کہ مصیبت تو بر ہر مصیبتی تسلی بخش است و ہمگان در مصیبت تو ماتم زدہ اند. و اگر نبود کہ ما را بر صبر توصیه کردہای و از نالہ و فریاد نہی نمودہای بی شک در غم فراق از فرط گریہ اشک چشم می خشکید و درد و غم و خون ہمیشگی می شد گرچہ این ہمہ در مصیبت فقدان تو کم است و قلیل.

و مرگ چیزی نیست کہ بتوان آن را دفع کرد و یا چارہای از آن باشد پس پدر و مادرم بقدایت حال کہ چنین است نزد پروردگارت از ما یاد نما و ہرگز ما را فراموش منما.^۲

۱- نہج البلاغہ فیض الاسلام خ ۱۲۸ ص ۶۳۳ - ص ۶۳۴
۲- نہج البلاغہ - صبحی صالح - ص ۲۵۵ خ ۲۳۵ و فیض ص ۷۳۰ ص ۲۲۶



و این حادثه بسیار تلخ یک بار دیگر به یاد علی (ع) می آید آن هم زمانی که نیمه شب در دل ظلمت زمانه علی تنهای تنها بدن نازنین فاطمه را با دستان خود به درون قبر به دستان رسول می سپارد. و با همه تنگی سینه و شدت حزنش در مصیبت فاطمه (س) لب به سخن می گشاید و می گوید:

تنها تسلی و آرامش بخش من در این حال یادآوری عظمت مصیبت فقدان رسول و سختی فراق و جدایی از رسول است و می گوید: در حالی که من سرت را بر درون قبر و لحد نهادم میان سر و سینه ام جان به جان آفرین تسلیم کردی آری ما از آن خدائیم و به سوی او باز خواهیم گشت.

جفدان تاریکی که در برابر صلابت و صبر رسول به ستوه آمده بودند^۱ و چشم دیدن او را نداشتند و نفوذ روز به روز و پیروزیهای رسول چشمان آنها را خیره کرده بود و هر توطئه ای که می ریختند یا با تدبیر رسول و یا با اطلاع وحی نقش بر آب می شد تنها به یک چیز دلخوش می داشتند و آن فرا رسیدن مرگ رسول (ص) بود که از بیان آن هم ابا نداشتند.

تا جایی که حتی به همسران او بعد از مرگش چشم طمع داشتند.^۲

آنان که در برابر نفوذ چشمگیر رسالت رسول بارها قصد قتل پیامبر داشتند اما وقتی که به صراحت جانشینی و همسانی علی به رسول را چون همسانی موسی و هارون یافتند. راهی جز ترور پیامبر نیافتند و وقتی همه توطئه ها نقش بر آب شد چاره ای جز انتظار و لب گزیدن ندیدند و این بود که مرگ رسول چشمان منافقان امت را روشن کرد. و انتظار طولانی آنان به پایان رسید و کینه های سرشار آنان لب باز کرد و نزاع بعد از رسول را سامان داد.

۱- نهج البلاغه فیض - خ ۱۹۳ ص ۶۵۱ و ص ۶۵۲

۲- داستان (احتمالا طلحه) مربوط به برخی از صحابی است درارتباط با آیه حرمت ازدواج با زنان رسول خداص - و آیه وما محمد ابا احد... وازواجه امهاتکم قبل از نزول این آیات می باشد